

محرمات رضاع^۱

(تبیین احکام مقرر در آیه ۲۳ سوره نساء)

مسعود امامی*

چکیده

شیردادن (رضاع) به نوزاد، به وسیله مادر یا غیرمادر (دایه) است. شیردادن غیرمادر با وجود شرایط خاصی سبب حرمت نکاح و محرمیت می‌شود. آیه ۲۳ سوره نساء تنها آیه در قرآن کریم است که به این موضوع پرداخته است. در آیه مزبور حکم حرمت نکاح به سبب قرابت رضاعی، برای دو گروه از زنان (مادران و خواهران رضاعی) ثابت شده است. فقیهان و مفسران شیعه و اهل سنت در استنباط احکام محرمات رضاع و تفسیر و تبیین این آیه شریفه، مباحث و اختلافات پُردامنه‌ای دارند. ظهور آیه شریفه، قول خصوص‌المنزله در محرمات رضاع، شمول حکم تحریم به رضاع لاحق بر عقد، لزوم حیات در شیردهنده، عدم لزوم عقد ازدواج هنگام شیردادن و اشتراط مکیدن در حکم تحریم را تأیید می‌کند.

واژگان کلیدی: رضاع، شیردادن، محرمات رضاع، مادر، دایه.

* پژوهشگر مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی (masoudimami@yahoo.com)

مقدمه

نخستین تغذیه نوزادان غالباً شیر مادر است. امروزه بر پایه پیشرفت‌های علمی، تغذیه انحصاری نوزاد از شیر مادر تا شش ماه و پس از آن شیردهی به همراه غذاهای دیگر برای دست‌کم یک‌سال و تا دو سال پیشنهاد می‌شود. تحقیقات گسترده با استفاده از روش‌های جدید آزمایشگاهی و... مزایای فراوان شیردهی را برای نوزادان، مادران، خانواده‌ها و جامعه آشکار ساخته است. این فواید در ابعاد گوناگون مربوط به سلامت، تغذیه، دستگاه ایمنی، رشدونمو و ابعاد روانی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی دیده می‌شود (ویکی‌پدیا، شیردهی، <https://fa.wikipedia.org/wiki>، تاریخ مراجعه: ۱/۱۳۹۸/۷).

گاهی به دلایل گوناگون همچون مرگ، بیماری، مسافرت، کم‌بودن شیر مادر یا استتکاف او از شیردادن، نوزاد نیازمند غذای دیگر می‌شود. امروزه تلاش شده است در قالب شیرخشک و دیگر مواد غذایی آماده، مناسب و بهداشتی، این نیاز نوزاد شیرخوار برطرف شود، ولی در گذشته غالباً از طریق گرفتن دایه این نیاز مرتفع می‌شد.

شیر زنان دیگر اگرچه همه فواید شیر مادر را ندارد و مانند شیر مادر هماهنگ با شرایط جسمی و روانی کودک نیست، ولی از جهات گوناگون بر مواد غذایی ساخته بشر رجحان دارد؛ زیرا بسیاری از فواید جسمی و روانی که برای شیر مادر در پژوهش‌های علمی احراز شده است، در شیر مادران دیگر برای غیرفرزندشان نیز وجود دارد.

نتیجه دستاوردهای علمی این نیست که همه فواید شیر مادر منحصر در تغذیه فرزند خودش باشد، بلکه بسیاری از این فواید به جهت ساختار جسمی و روانی زنان بوده که مشترک میان مادر و دایه می‌باشد؛ از این رو بهتر است برای تغذیه نوزادانی که از شیر مادر محروم‌اند، در صورت امکان از دایه‌ای که شایستگی جسمی، روحی و اخلاقی لازم را دارد، استفاده شود.

گرفتن دایه برای نوزاد، از گذشته دور در بسیاری اقوام و ملل وجود داشته است. در مصر، یونان و روم باستان، اگرچه زنان عموماً فقط فرزند خودشان را شیر می‌دادند، ولی گاهی برای شیردهی اطفال سلطنتی دایه استخدام می‌کردند. این شیوه در طول سال‌ها میان زنان اشراف اروپای شرقی ادامه داشت (همان).

در میان اعراب پیش از اسلام نیز گرفتن دایه برای نوزادان به خصوص فرزندان بزرگان مرسوم بوده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که نواده عبدالمطلب، بزرگ مکه و قریش بود، دو دایه داشت؛ نخست ثویبه کنیز ابولهب، سپس حلیمه سعدیه (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۴۵۹). مسئله شیردادن به نوزاد در منابع اسلامی از دو جهت بحث و بررسی شده است؛ نخست به معنای مطلق «شیردادن زن (مادر یا غیرمادر) به کودک» که موضوع احکام تکلیفی گوناگونی همچون وجوب یا استحباب رضاع مادر نسبت به فرزند یا جواز درخواست اجرت از سوی دایه یا مادر به جهت رضاع فرزندش است؛ دوم به معنای «شیردادن غیرمادر به کودک با شرایط خاص» که سبب حرمت نکاح می شود. معنای دوم، موضوع حکم تکلیفی حرمت نکاح به سبب قرابتی است که به واسطه رضاع میان برخی پدید می آید. موضوع نوشتار حاضر، رضاع به معنای دوم است.

شیردادن غیرمادر به کودک با شرایط خاص که سبب حرمت نکاح می شود، دارای پیشینه ای پیش از اسلام است. یکی از سنت های اعراب پیش از اسلام، قرابت رضاعی بود. از برخی روایات نبوی صلی الله علیه و آله آشکار می شود که اعراب جاهلی انتساب رضاعی را باور داشته اند (ماوردی، ۱۴۱۶، ص ۳۰). دانشمندان مسلمان و شرق شناسان غربی نیز از حرمت نکاح با خویشان رضاعی در سنت اعراب پیش از اسلام خبر داده اند (همان، ص ۲۹/ سرخسی، ۱۴۰۶، ج ۳۰، ص ۲۸۹/ جمعی از مستشرقان، [بی تا]، ج ۱۰، ص ۱۲۹). هیچ دلیلی بر وجود باور به قرابت رضاعی و حرمت نکاح بر اساس آن، در میان اقوام و ملل پیش از اسلام، مگر در میان اعراب نمی توان یافت. امروزه نیز هرچند قرابت رضاعی متأثر از فقه اسلام در قوانین کشورهای اسلامی به رسمیت شناخته شده است، ولی در حقوق کشورهای غربی اثری از آن یافت نمی شود (صفایی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۹). ماده ۱۰۴۶ قانون مدنی ایران به پیروی از فقه شیعه، شرایط قرابت رضاعی از حیث حرمت نکاح را ذکر کرده است.

۱. رضاع در لغت

رضاع مصدر «رضع» است. در بیشتر منابع اصلی لغت معنایی برای این کلمه به دلیل

وضوح آن بیان نشده، فقط استعمالات گوناگون آن ذکر شده است و مانند بسیاری از لغات شایع و شناخته‌شده، فهم معنای آن به عرف واگذار شده است (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۱۲۲۰ / صاحب، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۳۰۴ / راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۵۵ / حمیری، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۲۵۲۴ / فیومی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۲۲۹ / ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۱۲۵)؛ در عین حال برخی از اهل لغت به ذکر معنای آن پرداخته‌اند. خلیل آن را به «مصّ الثدی والشرب: مکیدن پستان و نوشیدن» (خلیل، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۷۰)، ابن فارس به «شرب اللبن من الثدی: نوشیدن شیر از پستان» (ابن فارس، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۰۰) و زبیدی به «امتصاص الثدی: مکیدن پستان» (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۱۶۵) معنا کرده‌اند. برخی فقها نیز رضاع را در لغت به «امتصاص الثدی: مکیدن پستان» تعریف کرده‌اند (عاملی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۴۵۹ / طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۱۲، ص ۱۴۴ / خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۱۷۸). هر چند «مصّ» و «امتصاص» در فارسی به «مکیدن» ترجمه می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص ۲۰۹۸۴ و ج ۳، ص ۳۳۳۳)، ولی این ترجمه دقیق نیست؛ زیرا در معنای این دو کلمه، نوشیدن و رسیدن شیر و مایع به معده دخالت دارد؛ چنان‌که اهل لغت عرب، مصّ را به «الشرب الرفیق: نوشیدن ملایم» معنا کرده‌اند (فیروزآبادی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۳۱۸ / زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۴۳۵) و ابن عابدین از فقهای حنفی تصریح می‌کند که رسیدن شیر به معده کودک در معنای مصّ وجود دارد (ابن عابدین، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۲۲۹)؛ پس در لغت عرب به صرف مکیدن پستان بدون رسیدن شیر به معده، «مصّ» و «امتصاص» و در نتیجه «رضاع» گفته نمی‌شود.

۲. رضاع در اصطلاح

رضاع در اصطلاح فقهی به تبع قرآن و روایات، دو استعمال متفاوت دارد که در مقدمه بدان اشاره شد. قریب به اتفاق فقیهان شیعه و سنی برای استعمال دوم که موضوع مقاله حاضر است، تعریفی ارائه نکرده‌اند و در مقام تبیین آن، رضاع را به معنای لغوی به کار برده‌اند، سپس شروط شرعی را بر آن افزوده‌اند (طوسی، ۱۴۰۰، ص ۴۶۱ / حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۹ / خویی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۶۷ / کاشانی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۵ / ابن حزم،

[بی تا]، ج ۹، ص ۱۹۲ / ابن رشد، ۱۴۱۵، ص ۲۸). گزینش این شیوه بدان جهت بوده است که زیادی شرایط معتبر در معنای دوم و ذکر آنها در قالب یک تعریف، سبب طولانی و نامتعارف شدن تعریف می‌گردد. در بسیاری از موارد برای اینکه معنای دوم با معنای نخست اشتباه نشود، از تعبیری چون «الرضاع المحرم»؛ یعنی رضاعی که سبب تحریم نکاح می‌شود، برای معنای دوم استفاده کرده‌اند (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۹۳ / حلی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۵۱۰ / عاملی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۱۵۸ / خمینی، [بی تا]، ج ۲، ص ۲۷۶ / ابن قدامه، [بی تا]، ج ۹، ص ۲۲۴ / انصاری، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۹۸ / کاشانی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۵ / ابن حزم، [بی تا]، ج ۱۰، ص ۲).

در عین حال معدودی از آنها کوشیده‌اند با ضمیمه کردن شروط شرعی به معنای لغوی رضاع، معنای دوم را در قالب تعریفی ارائه کنند. یحیی بن سعید هذلی از فقهای شیعه می‌گوید:

رضاع محرم این است که کودک کمتر از دو سال از پستان زنی زنده که ازدواج کرده یا مرتکب نکاح به شبهه شده یا ملک یمین است، به مدت یک شبانه‌روز یا ده یا پانزده شیرخوردن سیر شیر بمکد، در حالی که میان آنها از زن دیگری که بارداریش قبل از دو سال بوده است، شیر نخورد و همچنین شیر از یک مرد باشد و نیز شیر زن از وضع حمل باشد (هذلی، ۱۴۰۵، ص ۴۳۵).

نسفی از فقهای حنفی نیز کوشیده است رضاع به معنای دوم را تعریف کند، ولی برای اینکه گرفتار تعریفی طولانی نشود، به اجمال به شرایط اشاره کرده است. او می‌گوید: «رضاع به معنای مکیدن کودک از پستان زن در وقت مخصوص است» (ابن نجیم، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۳۸۶).

۳. جایگاه رضاع در قرآن کریم، روایات و فقه

مشتقات گوناگون ماده «رضع»، یازده مرتبه و طی شش آیه در قرآن کریم به کار رفته است و در همه این موارد به معنای نوشیدن و مکیدن شیر از پستان است. یک آیه مربوط به قیامت (حج: ۲) و دو آیه مربوط به سرگذشت حضرت موسی علیه السلام است (قصص: ۷ و ۱۲). سه آیه دیگر از آیات الأحکام و دارای پیام فقهی است. آیه نخست

درباره وظیفه شیردادن مادران نسبت به فرزندانشان تا دو سال می‌باشد (بقره: ۲۳۳) و آیه دوم درباره پرداخت نفقه شیردادن زن مطلقه به فرزندش است (طلاق: ۶). این دو آیه به معنای نخست رضاع مربوط‌اند. آیه سوم درباره حرمت نکاح به سبب رابطه رضاعی است (نساء: ۲۳) که به معنای دوم رضاع مربوط می‌شود.

بر پایه دو معنای متفاوت از رضاع در قرآن کریم، مباحث مربوط به رضاع در متون روایی و فقهی نیز غالباً در دو جای گوناگون مطرح می‌شود. مباحث مربوط به رضاع به معنای دوم، بخش بیشتری از منابع روایی و فقهی را دربرگرفته است.

شیخ حرّ عاملی ذیل «أبواب ما یحرم من الرضاع» از کتاب *وسائل الشیعه* - یعنی رضاع به معنای دوم - حدود صد روایت درباره حرمت نکاح به سبب رضاع نقل کرده است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۳۷۱) و محدث نوری نیز ذیل همین ابواب در کتاب *مستدرک الوسائل*، حدود ۳۳ روایت بر روایات کتاب *وسائل الشیعه* افزوده است (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۴، ص ۳۶۵).

در منابع روایی اهل سنت، روایات فراوانی از پیامبر اکرم ﷺ و صحابه در این باره نقل شده است. متقی هندی ذیل کتاب *الرضاع از کنز العمال*، حدود ۸۵ روایت نقل می‌کند (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۲۷۰). بیشتر این روایات به معنای دوم رضاع مربوط می‌شود.

در میان روایات شیعه و سنی درباره رضاع، عبارت «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب: حرام می‌شود به سبب رضاع آنچه به سبب نسب حرام می‌شود» بسیار دیده می‌شود و بیش از هر عبارت دیگری تکرار شده است. این عبارت از پیامبر اکرم ﷺ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۴۲ / صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۴۷۵ / طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۲۶ / بخاری، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۱۴۹ / ابن حنبل، [بی تا]، ج ۱، ص ۳۳۹)، امام باقر ﷺ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۴۲ / صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۴۷۵)، امام صادق ﷺ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۳۷ / طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۲۹۲) و امام رضا ﷺ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۴۴۱ / طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۲۰) نقل شده است. عمل به این روایت مورد اتفاق همه مسلمانان است (مغنیه، [بی تا]، ص ۱۰۳ / ترمذی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۰۷).

حدیث نبوی ﷺ دیگری که در منابع فقهی شیعه بسیار تکرار شده است و بدان استدلال می‌شود، جمله «الرضاع لحمه کلحمة النسب»: رضاع پاره گوشتی مانند پاره گوشت نسب است» می‌باشد (کرکی، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۲۴۱ / عاملی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۷۶ / نراقی، ۱۴۱۵، ج ۱۶، ص ۲۲۶). گویا این عبارت نخستین بار بدون استناد به پیشوایان معصوم ﷺ در کلام ابن حمزه آمده است (ابن حمزه، ۱۴۰۸، ص ۳۰۲). سپس ابن فهد حلی آن را به پیامبر ﷺ نسبت می‌دهد (ابن فهد، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۳۳۶) و پس از او به‌عنوان یک روایت مرسل نبوی ﷺ تلقی می‌گردد، درحالی‌که هیچ اثری از آن در منابع روایی شیعه و سنی نمی‌توان یافت. به‌نظر می‌رسد استناد آن به پیامبر اکرم ﷺ غلط و زائیده شباهت آن به روایت مشهور نبوی ﷺ: «الولاء لحمه کلحمة النسب» می‌باشد. روایت اخیر در بسیاری از کتب روایی و فقهی فریقین نقل شده است (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۳۳ / حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، صص ۲۱۷ و ۲۷۷ / بیهقی، [بی‌تا]، ج ۱۰، ص ۲۹۲ / شافعی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۸۱).

محرمات رضاع در فقه اسلام تحت تأثیر قرآن و روایات از مسائل مهم شمرده شده است و فقهای شیعه و اهل سنت از گذشته تاکنون در آثار خود بدان پرداخته‌اند. این مسئله، موضوع کتاب‌ها و رساله‌های مستقلی از عصر حضور معصومان ﷺ تا عصر حاضر بوده است. نجاشی و شیخ طوسی تکنگاری‌هایی به نام رضاع را برای شخصیت‌هایی از اصحاب ائمه ﷺ چون ابن‌ابی‌عمیر (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۲۶)، حسین‌بن‌زیاد از اصحاب امام رضا ﷺ (طوسی، [بی‌تا]، ص ۱۱۰) و برای عالمانی در عصر غیبت صغری چون محمدبن‌علی‌بن‌محبوب (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۴۹ / طوسی، [بی‌تا]، ص ۲۲۲)، محمدبن‌مسعود عیاشی (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۵۱ / طوسی، [بی‌تا]، ص ۲۱۳)، جعفر بن محمد بن قولویه (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۱۲۴ / طوسی، [بی‌تا]، ص ۹۱) و ابن‌جنید اسکافی (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۸۵) گزارش کرده‌اند.

آقابزرگ تهرانی از ده‌ها کتاب و رساله مستقل فقهی از عالمان شیعه در موضوع رضاع و به همین نام یاد کرده است. مهم‌ترین آنها آثاری از شیخ صدوق، محقق کرکی، میرداماد، شیخ حرّ عاملی، علامه مجلسی، محدث بحرانی، سیدمحمد مهدی بحر العلوم، سیدمحمدجواد عاملی، شیخ انصاری، آخوند خراسانی، میرزامحمدتقی شیرازی،

سید محسن امین و شیخ محمدجواد بلاغی است (تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۴۷۵، ج ۱۱، صص ۱۸۹-۱۹۵ و ۲۳۹، ج ۱۵، ص ۱۲۰، ج ۲۰، ص ۳۴۹ و ج ۲۳، ص ۱۱۰).

اهتمام به تدوین آثار مستقل درباره رضاع در فقه اهل سنت بسیار کمتر بوده است؛ به گونه‌ای که فقط به آثار انگشت‌شماری در این باره می‌توان دست یافت؛ مانند آثاری از احمد بن عمر خصاف حنفی (ابن ندیم، [بی‌تا]، ص ۲۵۹/ باشا، ۱۹۵۱م، ج ۱، ص ۴۹)، محمد بن احمد تمیمی (کحاله، [بی‌تا]، ج ۸، ص ۲۸۰)، ابن قائد عثمان بن احمد (زرکلی، [بی‌تا]، ج ۴، ص ۲۰۲) و قاسم الحلّاق (زرکلی، [بی‌تا]، ج ۵، ص ۱۷۷).

در بیشتر منابع فقهی چهار مذهب اهل سنت، مسائل درباره رضاع در باب مستقل فقهی ذیل عنوان «کتاب الرضاع» مطرح شده است (مالک، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۴۰۵/ ابن قدامه، [بی‌تا]، ج ۹، ص ۱۹۱/ نووی، [بی‌تا]، ج ۱۸، ص ۲۰۶/ کاشانی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۱). شیخ طوسی نیز متأثر از فقیهان اهل سنت در دو کتاب خویش چنین کرده است (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۹۱/ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۲۹۰)، اما وی در دیگر آثارش و همچنین سایر فقهای شیعه که پیش و پس از او زیسته‌اند تا زمان حاضر، احکام رضاع را ذیل کتاب نکاح در مجامع فقهی خود ذکر کرده‌اند (طوسی، ۱۴۰۰، ص ۶۴۱/ مفید، ۱۴۱۳، ص ۵۰۲/ حلی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۲۶/ حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۲۰/ خمینی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۲۶۵). موضوع همه یا غالب این آثار، هر دو معنای رضاع یا معنای دوم آن است.

۴. احکام محرّمات رضاع

آیه ۲۳ سوره نساء تنها آیه در قرآن کریم است که به رابطه خویشاوندی اشاره می‌کند که از طریق شیردادن غیرمادر حاصل می‌شود. در آیه مذکور آمده است:

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخْوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمْ اللَّائِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخْوَاتُكُمْ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمْ اللَّائِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّائِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا:

[نکاح اینان] بر شما حرام شده است: مادران‌تان و دختران‌تان و خواهران‌تان و

عمه‌هایتان و خاله‌هایتان و دختران برادر و دختران خواهر و مادران‌تان که به شما شیر داده‌اند و خواهران رضاعی شما و مادران زنان‌تان و دختران همسران‌تان که [آن دختران] در دامان شما پرورش یافته‌اند و با آن همسران همبستر شده‌اید - پس اگر با آنها همبستر نشده‌اید، بر شما گناهی نیست [که با دختران‌شان ازدواج کنید] - و زنان پسران‌تان که از پشت خودتان‌اند و جمع دو خواهر با یکدیگر - مگر آنچه در گذشته رخ داده باشد - که خداوند آمرزنده مهربان است.

در این آیه از دو گروه از زنان که دارای قرابت رضاعی‌اند (مادران و خواهران رضاعی) پس از هفت گروه از زنانی که دارای قرابت نسبی‌اند (مادران، دختران، خواهران، عمه‌ها، خاله‌ها، دختران برادر و دختران خواهر) و پیش از چهار گروه که دارای قرابت نسبی‌اند (مادران همسران، دختران همسران، همسران پسران و خواهر همسر) یاد شده است و همگی متعلق تحریم قرار گرفته‌اند.

مفسران و فقیهان اتفاق نظر دارند که مقصود از تحریم در این آیه، تحریم نکاح است؛ زیرا تحریم به اعیان تعلق نمی‌گیرد؛ پس آنچه عرف از تحریم عین خارجی می‌فهمد، حرمت غرض مطلوب از آن است؛ از این رو از تحریم خمر، حرمت شرب آن و از تحریم زنان، حرمت نکاح با آنان فهمیده می‌شود (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۴۶/ ابوالفتوح، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۳۰۴/ مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۳۶۲/ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۰، ص ۲۳/ حقی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۱۷۸).

قرآن کریم با قراردادن محرمات رضاعی در میان محرمات نسبی و سببی در این آیه، مخاطبان خویش را متوجه علت تحریم نکاح در قرابت رضاعی کرده است. به نظر می‌رسد علت اصلی تحریم نکاح در این سه گروه از زنان، قرابت و نزدیکی آنان با مرد است. البته مورد آخر یعنی جمع میان دو خواهر، با بقیه موارد متفاوت است و علت تحریم در آن، قرابت و نزدیکی با مرد نیست؛ بر همین اساس احکام این مورد با بقیه موارد تفاوت دارد. در این مورد، حرمت نکاح همیشگی نیست و در فرض جداشدن از زن می‌توان با خواهر او ازدواج کرد. همچنین در این مورد محرمیت نیز ثابت نیست؛ به همین دلیل این مورد در پایان موارد تحریم نکاح و گویا مانند موردی الحاقی ذکر شده است.

فرینه دیگری که گویای این است که قرابت علت حکم به تحریم نکاح می‌باشد، این است که دوازده مورد مذکور (مادران، دختران، خواهران، عمه‌ها، خاله‌ها، دختران برادر، دختران خواهر، مادران رضاعی، خواهران رضاعی، مادران همسران، دختران همسران، همسران پسران و خواهر همسر) به ترتیب قرابت و نزدیکی بیشتر نسبت به مرد ذکر شده‌اند؛ زنانی که قرابت بیشتری دارند، بر زنانی که قرابت کمتری دارند، مقدم شده‌اند. با دقت در چینش این دوازده مورد روشن می‌شود که حتی یک مورد نیز بر خلاف این ترتیب نیست؛ به‌همین دلیل قرابت رضاعی پس از قرابت نسبی و پیش از قرابت سببی ذکر شده است؛ زیرا قرابت نسبی، قرابتی مبتنی بر خون و رحم است؛ از این رو بر موارد دیگر مقدم می‌باشد و قرابت رضاعی، قرابتی مبتنی بر رشد جسم و روان نوزاد از شیر پدیدآمده از جسم و جان دایه است و مانند قرابت نسبی، پدیده‌ای طبیعی و تکوینی می‌باشد و به‌همین جهت پس از آن ذکر شده است؛ بر خلاف قرابت سببی که قرابتی صرفاً اعتباری و قراردادی است و برهمین اساس در پایان از آن یاد شده است.

فراز «وَرَبَائِكُمُ اللَّائِي فِي حُجُورِكُمْ» شاهد دیگری بر این است که رابطه نزدیک میان مرد و این گروه از زنان، علت حکم به حرمت نکاح می‌باشد. در این فراز، از دختران همسران به کسانی یاد شده است که «در دامان شما تربیت یافته‌اند». فقیهان تصریح کرده‌اند که وصف در این آیه مفهوم ندارد؛ به عبارت دیگر قید «تربیت‌شده در دامان شما»، قیدی احترازی نیست تا حکم به حرمت نکاح، شامل دختر همسری نشود که در دامان مرد پرورش نیافته است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۳۴۹/انصاری، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۳۳۱)؛ بنابراین می‌توان گفت ذکر این قید برای تنبّه بر حکمت تحریم نکاح است. گویا قرآن یادآور می‌شود که چگونه می‌خواهید با دختران همسران‌تان ازدواج کنید، درحالی‌که آنان در دامان شما تربیت شده و شما آنها را بزرگ کرده‌اید؟!

باتوجه به این نکته، قرآن کریم به مردان می‌آموزد که سزاوار نیست با زنانی که با آنها رابطه نزدیک دارند، به‌گونه‌ای که محارم او به‌شمار می‌آیند و خداوند برای سهولت در معاشرت با آنان، نگاه و لمس آنها را بر مردان جایز شمرده است، رابطه جنسی و

آمیزی برقرار کنند. ایجاد چنین رابطه‌ای با نزدیکان، پیامدهای ناخوشایندی دارد. مهم‌ترین آنها تنفر انسان از برقراری چنین رابطه‌ای است که گویای پایگاه فطری این حکم الهی می‌باشد. شاهد دیگر بر فطری بودن این حکم - علاوه بر احساس درونی هر انسان پاک - حرمت ازدواج با محارم در بیشتر ملل و مذاهب در طول تاریخ است. یکی دیگر از پیامدهای نامطلوب رابطه جنسی با نزدیکان این است که جاذبه و کشش قوی جنسی غالباً در میان محارم وجود ندارد؛ زیرا محارم معمولاً با هم بزرگ می‌شوند و برای یکدیگر انسانی عادی‌اند، درحالی‌که جاذبه جنسی، شرط استحکام پیوند زناشویی است.

خداوند با تحریم نکاح این گروه از زنان و نیز حکم به محرمیت آنها، ازسویی برقراری معاشرت و ارتباط با آنان را تسهیل و بلکه تشویق می‌کند و بر دامنه زنانی که مرد می‌تواند به راحتی با آنها معاشرت داشته باشد، می‌افزاید و ازسوی دیگر با حکم به تحریم ازدواج با آنان و در نتیجه از میان بردن انگیزه‌های جنسی میان آنها، به بهینه‌سازی این فضای معاشرتی کمک شایان می‌کند.

برای درک بهتر این نکته کافی است فرض مخالف آن تصور شود. اگر مرد و زن مجرد یا متأهل در رابطه با نزدیک‌ترین کسان خود از جنس مخالف، این احساس را داشته باشند که او می‌تواند یک گزینه برای ارتباط جنسی من باشد، فضای روابط خویشاوندی به فساد و فحشا می‌گراید و روابط سالم خانوادگی و فامیلی شکل نمی‌گیرد؛ از این رو خداوند با حکم به تحریم نکاح، زمینه شکل‌گیری این انگیزه و احساس را از میان برده است.

ازسوی دیگر بر اساس آموزه‌های اسلامی، تغذیه نوزاد از شیر دایه تأثیر فراوانی بر جسم و روح نوزاد می‌گذارد و ویژگی‌های جسمی و شخصیت روحی و روانی نوزاد متناسب با خصوصیات جسمی و روحی دایه شکل می‌گیرد و در نتیجه سبب قرابت و نزدیکی نوزاد با دایه و خانواده او می‌شود. در روایات بر این نکته بسیار تأکید شده است. در روایات از شیر گروهی از دایگان از جمله دایه ناصبی، یهودی، نصرانی و مجوس و همچنین دایه زانیه، زنازاده، احمق و زشت‌رو نهی شده است. فرمان به نهی

در بسیاری از این روایات این گونه تعلیل شده است که شیر دایه در جسم و روح نوزاد اثر می‌گذارد. در یکی از این روایات آمده است: «بنگرید چه کسی فرزندان شما را شیر می‌دهد؛ زیرا کودک بر اساس آن رشد می‌کند» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۴۶۷). در روایت دیگری آمده است: «برای گرفتن دایه، بهترین را برگزینید؛ همان گونه که برای انتخاب همسر چنین می‌کنید؛ زیرا شیر دایه طبیعت طفل را دگرگون می‌کند» (همان، ص ۴۶۸).

براین اساس رضاع سبب ارتباط وثیق جسمی و روحی میان کودک با دایه و خانواده او می‌شود؛ به همین دلیل زمینه معاشرتی سالم میان طرفین فراهم می‌گردد. خداوند نیز چنین معاشرتی را مطلوب می‌شمارد و با حکم به محرمیت آنها با یکدیگر و حرمت نکاح میان آنها، موانع چنین ارتباط انسانی و پسندیده را برطرف می‌سازد.

۱-۴. احکام مربوط به قرابت نسبی و قرابت رضاعی

آیه مورد بحث، قرابت رضاعی را همانند قرابت نسبی باعث تحریم نکاح می‌داند، در حالی که در ارتباط میان قرابت نسبی و قرابت رضاعی، احکام دیگری نیز هست که در این آیه از آنها یاد نشده است. در این باره می‌توان از سه قسم احکام یاد کرد؛ نخست احکامی که میان قرابت نسبی و رضاعی مشترک است. این احکام دو حکم‌اند که مهم‌ترین آنها حرمت نکاح و حکم دیگر، محرمیت است. مقصود از محرمیت، جواز لمس و نگاه زن و مرد به یکدیگر و عدم وجوب حجاب برای زن است. قریب به اتفاق فقهای شیعه معتقدند در هر موردی که حکم تحریم نکاح به سبب قرابت رضاعی ثابت شود، محرمیت نیز ثابت است (کرکی، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۲۰۰).

قسم دوم که بیشترین تعداد احکام را دارد، عبارت از آن دسته احکامی است که در قرابت نسبی هست، ولی در قرابت رضاعی نیست؛ مانند ارث، استحقاق نفقه، ولایت، حضانت، عاقله بودن، سقوط قصاص در صورتی که جنایتکار پدر مجنی علیه باشد و عدم قبول شهادت در صورتی که پسر علیه پدر شهادت دهد (حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۲۱/ فخرالمحققین، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۳۳۷/ ابن اعرج، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۳۳۷).

قسم سوم آن دسته از احکام قرابت نسبی است که در ثبوت آنها برای قرابت رضاعی میان فقیهان شیعه اختلاف می‌باشد و آن عبارت است از آزادشدن قهری بنده و کنیزی که پدر و مادر رضاعی برای مالک‌اند (حلی، ۱۴۱۳، ج ۷، ص ۴۵).

فقهای شیعه و اهل سنت بسیاری از احکام مربوط به تحریم نکاح در قرابت رضاعی را از این آیه به‌تنهایی یا با همراهی آیات دیگر و روایات استنباط کرده‌اند. برخی از احکام نیز فقط از روایات استنباط شده‌اند. در مواردی که مستند فقها، قرآن کریم و روایات باشد، گاهی تکیه‌گاه اصلی استدلال، روایات است و فقها کوشیده‌اند نشان دهند قرآن کریم نیز با پیام روایات سازگار یا دست‌کم با آن مخالفتی ندارد.

۲-۴. موارد تحریم به سبب رضاع

یکی از مهم‌ترین مسائل مورد بحث فقها در قرابت رضاعی این است که گروه‌های مورد تحریم نکاح در قرابت رضاعی چه کسانی‌اند؟ در پاسخ به این پرسش سه قول هست:

الف) به نظر مشهور فقهای شیعه، موارد تحریم به سبب رضاع به همه هفت گروه ذکر شده از محرمات نسبی در آیه شریفه توسعه می‌یابد و حکم تحریم برای غیر آنها ثابت نیست. برخی ادعای اجماع مسلمانان بر این فتوا کرده‌اند (کاظمی، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۲۱۹) و برخی دیگر فقط گروه اندک و غیرقابل اعتنایی از فقهای عامه را از این قول استثنا کرده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۳۰۹).

مستند اصلی این قول، روایات نقل شده در منابع شیعه و اهل سنت است که در آنها گروه‌های دیگری از اقربای رضاعی را به دو گروه ذکر شده در آیه ملحق کرده‌اند (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۳۷۱). مهم‌ترین این روایات، حدیث مستفیض نبوی ﷺ است که می‌فرماید: «محرم من الرضاع ما محرم من النسب» (همان). در این روایت، عموم حکم تحریم رضاعی به منزله عموم حکم تحریم نسبی قرار گرفته است و بر اساس آن همه هفت گروهی که به سبب نسب تحریم شده‌اند، به سبب رضاع نیز حرام می‌گردند (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۴۷).

ب) این قول به گروه اندکی از فقها متعلق است. از رساله محقق کرکی نقل شده

است که ایشان این قول را به برخی معاصران خود نسبت داده است. همچنین از رساله میرداماد نقل شده که وی این قول را برگزیده است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۳۰۹/ انصاری، ۱۴۱۵، ص ۳۹۹). بر اساس این قول، از عموم تنزیل قرابت رضاعی به منزله قرابت نسبی در روایت نبوی ﷺ فهمیده می‌شود که عناوین محرمات رضاعی منحصر در هفت گروه ذکر شده در این آیه نیست و شامل عناوین دیگری از انتساب رضاعی نیز می‌شود و آن عناوینی است که ملازم عناوین هفت‌گانه باشد؛ مانند اینکه زنی به برادرش شیر دهد؛ در این صورت طفل شیرخوار، فرزند شوهر می‌شود و زن، خواهر فرزند می‌گردد و نکاح با خواهر فرزند همچون فرزند حرام است؛ پس زن با شیردادن به برادرش، بر شوهر خود حرام می‌شود.

این قول در بحث از محرمات رضاع به قول «عموم‌المتزلة» مشهور است؛ چنان‌که قول پیشین «خصوص‌المتزلة» نامیده شده است. فقها به تفصیل به بیان فروع گوناگون این قول و تفاوت آن با قول مشهور پرداخته‌اند (اصفهانى، ۱۴۲۲، ص ۷۲۴/ بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۳۷۶/ خمینی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۲۷۴/ خویی، ۱۴۱۷، ص ۳۰).

ج) این قول به گروه اندکی از فقیهان عامه متعلق است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۳۰۹). یکی از معاصران از شیعه، این قول را برگزیده است. او بر اساس مبنای خود در روش تفسیر قرآن به قرآن (صادقی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۷)، اکتفای قرآن به مادران و خواهران رضاعی را دلیل بر انحصار حکم قرابت رضاعی نسبت به آنان دانسته است و تعدی حکم تحریم به غیر این دو مورد را حتی در صورت وجود نصوص متواتر دالّ بر آن، نمی‌پذیرد و بر این باور است که آیه در مقام اختصار نیست تا گفته شود به دلیل اختصار، نامی از دیگر محرمات برده نشده است (همان، ج ۶، ص ۳۸۱/ همو، ۱۴۱۹، ص ۸۱).

برخی فقیهان و مفسرانی که قول مشهور را برگزیده‌اند، معتقدند آیه شریفه فقط ظهور در دو قسم از محرمات رضاعی دارد و پنج قسم دیگر از روایات که رضاع را نازل منزله نسب کرده است، فهمیده می‌شود (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۶۳/ ابن‌جزی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۸۵). در مقابل، بیشتر مفسران شیعه و سنی علاوه بر استناد به روایات

معتبر و فراوان برای توسعه حکم به غیرمادر و خواهر رضاعی، کوشیده‌اند این توسعه را از آیه کریمه نیز برداشت کنند.

در مرحله نخست، برخی به ظهور الفاظ آیه شریفه در عموم استدلال کرده‌اند و برخی از اصناف محرمات رضاعی را مشمول ظهور لفظی آیه دانسته‌اند؛ مانند اینکه بعضی لفظ «أُمَّهَاتِكُمْ» را شامل هر مادری دانسته‌اند که انتساب آن به شخص از طریق شیردادن است؛ پس علاوه بر زنی که انسان را شیر داده است، شامل زنی که به زن دیگری شیر دهد و آن زن شیرخورده نیز به انسان شیر دهد یا به مردی شیر دهد که همسر آن مرد به انسان شیر داده باشد، می‌گردد (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۴۶)؛ به عبارت بهتر شامل زنی که به انسان شیر دهد و هر زنی که به دو طریق رضاع یا ولادت، رابطه مادری با زن شیردهنده داشته باشد، می‌شود (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۰، ص ۲۷)، اما به نظر برخی معاصران، چون مادران توصیف به شیردادن شده‌اند، شامل مادر مادر نمی‌شود؛ زیرا او به کودک شیر نداده است (صادقی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۳۶۴)

در مورد خواهران چون قید «مِنَ الرِّضَاعَةِ» وصف خواهران نشده است و فقط جهت انتساب را روشن می‌کند، مقصود فقط خواهرانی نیست که با او شیر خورده‌اند، بلکه مقصود خواهرانی است که به سبب شیرخوردن خودشان یا دیگران با آنها خواهر شده‌اند؛ از این رو اطلاق آن شامل مواردی که نسبت خواهر و برادری با شیردادن به پسر یا دختر حاصل شود، می‌گردد (همان، ص ۳۸۳)؛ چنان‌که لازم نیست شیری که باعث انتساب شده است، از ولادت خود انسان باشد؛ پس شامل شیری که از ولادت نوزادی که بعد یا قبل از ولادت شخص مورد خطاب به تحریم به دنیا آمده است نیز می‌شود.

همچنین شامل همه موارد انتساب طبیعی شیر به یک انسان می‌شود و این امر به سه شکل ممکن است؛ نخست از طریق پدر و مادر؛ یعنی مادر نسبی انسان از شیری که متعلق به پدر نسبی انسان است، به کسی شیر دهد. دوم از طریق فقط مادر؛ یعنی مادر نسبی از شیری که متعلق به مردی غیر از پدر نسبی است، شیر داده باشد و سوم از طریق پدر یعنی زن پدر انسان از شیری که متعلق به پدر نسبی است، شیر دهد (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۴۷ / راوندی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۹۱ / فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۰،

ص ۲۶ / قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۱۱۲).

به نظر برخی دیگر لفظ خواهر شامل عمه و خاله که خواهر پدر و خواهر مادر رضاعی اند نیز می‌شود (شیرازی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۴۶۰). فخر رازی می‌گوید:

محرمات نسبی هفت گروه می‌باشند که رابطه نسبی آنها از دو طریق است؛ نخست ولادت که دو گروه مادران و دختران از این طریق انتساب می‌یابند و دوم رابطه برادر و خواهری که پنج گروه دیگر یعنی خواهران، عمه‌ها، خاله‌ها، دختران برادر و دختران خواهر از این طریق منتسب می‌شوند. خداوند در بیان محرمات نسبی، هر هفت قسم را نام برده است، اما در بیان محرمات رضاعی به جهت رعایت اختصار فقط به ذکر یک قسم از دو طریق انتساب اکتفا کرده است. در بیان انتساب از طریق ولادت، به ذکر مادران بسنده کرده و دختران را یاد نکرده است و در بیان انتساب از طریق برادر و خواهری، به ذکر خواهران اکتفا کرده و از ذکر چهار قسم دیگر خودداری نموده است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۰، ص ۲۳).

در این باره بسیاری از تعبیر به مادر و خواهر در آیه استنباط کرده‌اند که شیردادن نیز مانند نسب است و سبب روابط طبیعی همچون روابط مادری و خواهری در نسب می‌شود؛ از این رو سایر روابط نسبی نیز به واسطه رضاع ثابت می‌شود (کاشانی، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۳۹ / سبزواری، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۱۰ / ابوحنیفان، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۵۷۹ / مراغی، [بی‌تا]، ج ۴، ص ۲۲۰). برخی دیگر به این نکته استناد کرده‌اند که قرآن کریم آشکارا شیردادن را منشأ حکم به تحریم می‌داند و شیردادن نیز پدیده‌ای طبیعی است. از سوی دیگر عرف پیوند طبیعی به وجود آمده به سبب شیردادن را منحصر به مادر و خواهر نمی‌بیند و دست کم به طبقه پس از آنها نیز سرایت می‌دهد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۴، ص ۱۵۰)؛ بر این اساس به نظر جمهور فقهای اهل سنت، از آیه فهمیده می‌شود که مرد صاحب شیر نیز پدر رضاعی شمرده می‌شود؛ زیرا شیر به او منسوب است، ولی قرطبی این نظر را نمی‌پسندد و بر این باور است که شیر متعلق به زن بوده، ارتباط طبیعی با مرد ندارد و تنها با استناد به روایات می‌توان قرابت رضاعی را برای مرد نیز ثابت کرد (قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۱۱۱).

قول نخست با استناد به روایات بر دو قول دیگر رجحان دارد و آیه شریفه نیز

باتوجه به نکاتی که از مفسران و فقیهان نقل شد، نه تنها منافاتی با این قول ندارد، بلکه آن را تأیید می‌کند. یکی دیگر از قراینی که این قول را تأیید می‌کند اینکه دختر رضاعی بیش از خواهر رضاعی به مرد نزدیک است، همچنان که دختر نسبی بیش از خواهر نسبی نزدیک می‌باشد؛ به همین دلیل در این آیه در بیان محرمات نسبی، دختران مقدم بر خواهران ذکر شده‌اند؛ پس اگر بنای قرآن کریم بر عدم عمومیت قرابت رضاعی نسبت به هفت مورد قرابت نسبی و اختصاص حکم تحریم نکاح فقط به دو مورد نزدیک‌تر از میان موارد هفت‌گانه بود، سزاوار بود دختران رضاعی به جای خواهران رضاعی ذکر می‌شد یا دست‌کم نامی از دختران رضاعی در کنار خواهران رضاعی می‌آمد؛ بنابراین عدم ذکر دختران رضاعی با وجود ذکر خواهران رضاعی، قرینه‌ای می‌تواند باشد بر اینکه بنای قرآن کریم در موارد قرابت رضاعی، بر اختصار و عدم ذکر همه موارد بوده است.

۴-۳. عمومیت تحریم نسبت به رضاع سابق و رضاع لاحق

فقها از اطلاق ادله از جمله آیه شریفه استنباط کرده‌اند که همچنان‌که رضاع سابق باعث حرمت نکاح با محرمات رضاعی می‌شود، رضاع لاحق نیز سبب بطلان عقد نکاح با آنان می‌گردد؛ پس اگر مثلاً مردی با دختر شیرخواری ازدواج کند و مادر، خواهر یا دختر آن مرد به شیرخوار شیر دهد، عقد نکاح باطل می‌شود (حلی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۲۹/ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۳۲۴).

۴-۴. شروط رضاع محرم

اگرچه قرآن کریم برای رضاعی که باعث تحریم نکاح می‌شود، آشکارا شروطی ذکر نکرده است، ولی فقها با دقت در آیات و روایات مربوط به رضاع، شرایط متعددی را برای رضاعی که سبب تحریم نکاح می‌شود، استنباط کرده‌اند. بحث درباره این شرایط، معرکه آرای میان فقیهان مذاهب گوناگون با یکدیگر و نیز فقیهان در یک مذهب است. فقها کوشیده‌اند بسیاری از این شروط را به قرآن کریم مستند کنند یا نشان دهند که آیات مربوط به رضاع مخالفتی با این شرایط ندارند. این شرایط را می‌

توان به سه دسته تقسیم کرد:

اول: شرایط معتبر در زن شیردهنده.

دوم: شرایط معتبر در کودکی که شیر خورده است.

سوم: شرایط معتبر در شیردادن.

۴-۴-۱. لزوم حیات برای شیردهنده

یکی از شرایط معتبر در زن شیردهنده این است که کودک باید از زن زنده شیر بخورد؛ پس اگر کودک از زن مرده شیر بخورد، حکم به حرمت نکاح نخواهد شد. فقهای شیعه بر این شرط اتفاق نظر دارند (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۳، ص ۳۶۲). برخی از آنان به ظهور فراز «أُمَّهَاتُكُمُ اللَّائِي أَرْضَعْنَكُمْ» استناد کرده‌اند. آنان مدعی‌اند عبارت مذکور ظهور در این امر دارد که رضاع با اراده زن صورت گرفته است و در مورد زن مرده قصدی وجود ندارد (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۰۴ / بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۳، ص ۳۶۴).

این استدلال پذیرفته نیست؛ زیرا اختیار در رضاع شرط نیست (آخوند خراسانی، ۱۴۱۳، ص ۷). اگر این استدلال پذیرفته شود، شیردادن زن زنده در حالت خواب سبب نشر حرمت نخواهد شد، در حالی که هیچ فقیهی چنین فتوایی نداده است. به نظر می‌رسد در این‌گونه موارد، ادله حرمت نکاح انصراف از زن مرده دارد و با وجود قدر متیقن در مقام خطاب که زن زنده است، نمی‌توان به اطلاق ادله تمسک کرد؛ از این رو در مورد زن مرده اصل عدم نشر حرمت حاکم است.

در این مسئله فقهای شافعی با شیعه هم‌رأی‌اند، ولی فقهای سه مذهب دیگر اهل سنت زنده‌بودن زن را شرط نمی‌دانند (ابن‌قدامة، [بی‌تا]، ج ۹، ص ۱۹۸ / کاشانی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۱۸ / جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۴، ج ۲۲، ص ۲۴۲).

۴-۴-۲. عدم لزوم عقد ازدواج هنگام شیردادن

لازم نیست زن در هنگام رضاع در عقد مردی باشد؛ پس اگر بیوه یا مطلقه باشد نیز رضاع او سبب نشر حرمت خواهد بود. فقهای شیعه بر این فتوا اجماع دارند و مستند آنها اطلاق ادله از جمله آیه شریفه است (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۳، ص ۴۴۴ /

نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۲۶۷).

۳-۴-۴. شرایط غیرمستند به قرآن کریم برای شیردهنده

شرایطی برای زن شیردهنده ذکر شده است که مستند به قرآن کریم نیست؛ از جمله فقهای شیعه اتفاق نظر دارند که شیر او باید از وطی حلال پدید آمده باشد؛ پس شیری که بدون وطی یا از وطی به زنا پدید آمده باشد، سبب نشر حرمت نمی‌شود (عاملی، ۱۴۱۳، ج ۷، ص ۲۰۷ / نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۲۶۴). فقهای عامه در نشر حرمت به سبب شیر پدیدآمده از غیروطی و نیز شیر پدیدآمده از وطی به زنا اختلاف نظر دارند (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۴، ج ۲۲، ص ۲۵۰).

شرط دیگر این است که شیر از نکاحی پدید آمده باشد که باعث انعقاد نطفه فرزندی شده است؛ پس اگر شیر مسبوق به نکاح باشد، ولی به سبب نکاح، نطفه‌ای منعقد نشده باشد، سبب نشر حرمت نخواهد بود. این شرط مورد اجماع فقهای شیعه است (کرکی، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۲۰۱).

افزون‌براین برخی شرط کرده‌اند که شیردادن باید پس از متولدشدن فرزند از مادر رضاعی باشد (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۰۸ / ابن‌ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۵۰۲ / خمینی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۲۶۵ / خویی، ۱۴۱۷، ص ۸۳) و برخی این شرط را نپذیرفته‌اند (انصاری، ۱۴۱۵، ص ۲۹۱).

۴-۴-۴. شیرخوردن پیش از پایان دوسالگی

یکی از شرایط معتبر در کودک، به اجماع فقهای شیعه این است که شیرخوردن او باید پیش از پایان دوسالگی باشد (مفید، ۱۴۱۳، ص ۵۰۳ / طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۱۴ / نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۲۹۶). فقها علاوه بر استناد به روایات، به فراز «حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ» در آیه ۲۳۳ سوره بقره نیز استدلال کرده‌اند. به نظر آنها تعیین دو سال برای رضاع در این آیه به دلیل عدم صدق معنای لغوی رضاع یا حرمت تکلیفی شیردادن در بیش از دو سال نیست، بلکه بدین علت است که رضاع معتبر شرعی که بر آن احکامی از جمله نشر حرمت مترتب می‌باشد، رضاعی است که در این مدت باشد (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰، ج ۲،

ص ۵۱۹ / ابن عربی، [بی تا]، ج ۱، ص ۳۷۵ / سائیس، [بی تا]، ص ۲۵۵). به نظر می‌رسد فراز «لَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْمِ الرُّضَاعَةَ»، این دیدگاه را تأیید می‌کند و گویای آن است که رضاع شرعی با پایان دو سال به اتمام می‌رسد.

قریب به اتفاق فقهای عامه، رضاع در غیر سن صغر را سبب نشر حرمت نمی‌دانند و بیشتر آنها دو سال را نیز شرط کرده‌اند (ابن قدامه، [بی تا]، ج ۹، ص ۲۰۱). محدثان اهل سنت در این باره روایات متعددی نقل کرده‌اند (ترمذی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۱۱ / بیهقی، [بی تا]، ج ۷، ص ۴۶۲)؛ در عین حال در منابع روایی اهل سنت، روایات دیگری به نقل از عایشه دیده می‌شود که بر اساس آنها شیردادن به انسان بزرگ‌تر از دو سال و حتی در سن بزرگسالی نیز باعث پدید آمدن قرابت رضاعی می‌گردد؛ از این رو نقل شده است عایشه به دختران خواهران و برادران خود توصیه می‌کرد که به برخی مردان اجنبی که او مایل به رفت و آمد با آنهاست، شیر دهند تا آنها به عایشه محرم شوند و ارتباط با آنها آسان شود (بیهقی، [بی تا]، ج ۷، ص ۴۵۹).

قریب به اتفاق فقیهان اهل سنت، از جمله فقهای چهار مذهب اهل سنت، به روایت اخیر عمل نکرده‌اند و شیر خوردن در کودکی را باعث حرمت رضاعی می‌دانند (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۹۸ / ابن رشد، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۳۰). قرطبی می‌گوید: «تنها فقیهی که همچون عایشه، رضاع کبیر را موجب نشر حرمت می‌داند، لیث به سعد است» (قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۱۰۹). اهل ظاهر نیز این قول را پذیرفته‌اند (ابن حزم، [بی تا]، ج ۱۰، ص ۱۷).

۴-۴-۵. تعلق شیر به یک مرد

قسم سوم از شرایط مربوط به شیر است. یکی از این شرایط آن است که شیر باید متعلق به یک مرد باشد؛ پس اگر زنی به سبب بارداری از مردی به کودکی کمتر از مقدار سبب تحریم شیر دهد، سپس از مرد دیگری باردار شود و به همان کودک شیر دهد و مجموع دو شیر به مقدار موجب تحریم باشد، قرابت رضاعی پدید نمی‌آید. فقهای شیعه به اتفاق این قول را برگزیده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۳۰۱).

۴-۴-۶. مکیدن

قید مکیدن در رضاع، موضوع اختلافی میان فقیهان شیعه و اهل سنت است. منشأ این اختلاف، معنای ماده رضع در آیه ۲۳ سوره نساء می‌باشد. فقیهان امامیه غیر از ابن جنید با استناد به کلام اهل لغت، مکیدن از پستان را جزء معنای رضاع و در نتیجه قید برای احکام شرعی مترتب بر آن قرار داده‌اند؛ از این رو درباره سرایت حکم شرعی رضاع به مواردی که کودک شیر را بدون مکیدن و با نوشیدن از ظرف یا ریختن در حلق (وجور) یا ریختن در بینی (سعوط) بخورد، یادآور شده‌اند که رضاع در عرف و لغت به غیر مکیدن اطلاق نمی‌شود (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۰۱/حلی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۲۷/عاملی، ۱۴۱۶، ص ۱۸۹/بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۳، ص ۳۵۹).

فقه‌ها و مفسران اهل سنت نیز تصریح کرده‌اند که معنای لغوی رضاع، «مکیدن پستان» است و از این رو رضاع در لغت شامل مواردی مانند ریختن در گلو (وجور) و ریختن در بینی (سعوط) نمی‌شود (ابن نجیم، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۳۸۵/حصکفی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۲۲۹/آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۴۶۱)، در عین حال قریب به اتفاق آنان احکام شرعی رضاع را گویا بر پایه قیاس به وجور و سعوط توسعه داده‌اند (شافعی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۲۷/مالک، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۴۱۰/کاشانی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۸۰/طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۱۰۱) و حتی برخی اماله (حقنه) را نیز به آن ملحق کرده‌اند (مزنی، [بی‌تا]، ص ۲۲۷).

باتوجه به چنین فتوایی از فقیهان اهل سنت، این باور عوامانه برخی شیعیان که نظر عایشه درباره رضاع کبیر به معنای جواز مکیدن مردان اجنبی از پستان زنان اجنبیه است! نادرست می‌باشد؛ زیرا رضاع کبیر، ملازمه با این فعل حرام ندارد و می‌تواند با نوشیدن شیر زنان اجنبیه از ظرف نیز تحقق یابد.

۴-۴-۷. مقدار شیر

یکی از شرایط مهمی که فقها برای شیر قائل شده‌اند اینکه شیر موجب تحریم باید مقدار خاصی باشد. آنها به استناد روایات، سه حد «زمانی»، «عددی» و «اثری» برای

رضاع محرم تعیین کرده‌اند. حد زمانی در نظر همه فقهای شیعه یک شبانه‌روز است (فخرالمحققین، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۴۶ / فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۷، ص ۱۳۴).

در تعیین حد عددی، دو قول میان فقهای شیعه هست؛ نخست ده مرتبه شیر خوردن کامل و پیوسته که قول مشهور قدماست (مفید، ۱۴۱۳، ص ۵۰۲ / سلار، ۱۴۱۴، ص ۱۵۱ / حلبی، ۱۴۰۳، ص ۲۸۵) و دوم پانزده مرتبه که قول برخی قدما و مشهور متأخران است (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۲۰۴ / نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۲۸۵ / آخوند خراسانی، ۱۴۱۳، ص ۱۱ / خمینی، [بی تا]، ج ۲، ص ۲۳۸). منشأ اختلاف فقها، اختلاف روایات است. حد اثری که مستند آن برخی روایات است اینکه شیر خوردن به حدی باشد که باعث رشد گوشت و محکم شدن استخوان گردد. بر این حد نیز ادعای اجماع شده است (عاملی، ۱۴۱۳، ج ۷، ص ۲۱۳ / بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۳، ص ۳۳۰ / نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۲۷۱).

میان فقهای عامه در تعیین حد برای رضاع، سه قول است: عدم تعیین حد، سه مرتبه و پنج مرتبه شیر خوردن. قول نخست به حنفیه و مالکیه، قول دوم به ظاهریه و قول سوم به شافعیه و حنبله برمی‌گردد (ابن رشد، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۳۵ / جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۴، ج ۲۲، ص ۲۴۴). استدلال آن دسته از فقهای عامه که حدی برای رضاع تعیین نکرده‌اند این است که اطلاق آیه شامل یک مرتبه شیردادن نیز می‌شود و در نتیجه تحریم نکاح ثابت می‌گردد (سایس، [بی تا]، ص ۲۵۴)، ولی مخالفان علاوه بر استناد به روایات، به آنها پاسخ داده‌اند که از آیه فهمیده می‌شود باید رضاع در حدی باشد که صدق مادر و خواهر رضاعی نماید و با یک مرتبه شیردادن، چنین چیزی صادق نیست (اردبیلی، [بی تا]، ص ۵۲۵).

نتیجه

خلاصه نتایج به دست آمده از نوشتار حاضر بدین قرار است:

۱. رضاع به معنای مکیدنی است که مایع مکیده شده نوشیده و به معده برسد.
۲. شیر مادر بهترین غذا برای نوزاد است و پس از آن شیر دایه بر شیر خشک و دیگر اغذیه رجحان دارد.

۳. آیه ۲۳ سوره نساء تنها آیه در قرآن کریم است که به رابطه خویشاوندی که از طریق شیردادن غیرمادر حاصل می‌شود، اشاره کرده است.
۴. علت اصلی تحریم نکاح با خویشاوندانی که رابطه آنها از طریق شیردادن غیرمادر حاصل شده است، نزدیکی و قرابت آنان با مرد می‌باشد.
۵. در هر موردی که حکم تحریم نکاح به سبب قرابت رضاعی ثابت شود، جواز لمس و نگاه زن و مرد به یکدیگر و عدم وجوب حجاب برای زن نیز ثابت می‌شود.
۶. موارد تحریم به سبب رضاع، به همه هفت گروه ذکر شده از محرمات نسبی در آیه شریفه توسعه دارد و حکم تحریم برای غیر آنها ثابت نیست.
۷. همچنان که رضاع سابق باعث حرمت نکاح با محرمات رضاعی می‌شود، رضاع لاحق نیز سبب بطلان عقد نکاح با آنان می‌گردد.
۸. شیرخوردن از دایه زنده، سبب تحریم نکاح می‌شود.
۹. لازم نیست دایه هنگام شیردادن، در عقد مردی باشد؛ پس اگر بیوه یا مطلقه باشد نیز رضاع او باعث نشر حرمت خواهد بود.
۱۰. شیرخوردنی سبب قرابت رضاعی می‌شود که پیش از پایان دوسالگی شیرخوار باشد.
۱۱. مکیدن از پستان، شرط برای تحقق قرابت رضاعی است.
۱۲. شیردادن باید به اندازه‌ای باشد که صدق مادر و خواهر رضاعی کند و با یک‌بار شیردادن، چنین چیزی صادق نیست. مقدار لازم برای تحقق قرابت رضاعی در روایات بیان شده است.

منابع

١. آخوند خراساني، محمد كاظم؛ كتاب الرضاع؛ قم: دفتر انتشارات اسلامي، ١٤١٣ق.
٢. آلوسي، سيد محمود؛ روح المعاني في تفسير القرآن العظيم؛ تحقيق علي عبدالباري عطيه؛ بيروت: دارالكتب العلمي، ١٤١٥ق.
٣. ابن اثير، علي بن ابي كرم؛ الكامل في التاريخ؛ بيروت: دار صادر، ١٣٨٥ق.
٤. ابن ادريس، محمد بن منصور؛ السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى؛ ج ٢، قم: انتشارات اسلامي، ١٤١٠ق.
٥. ابن اعرج، سيد عميد الدين بن محمد؛ كنز الفوائد في شرح مشكلات القواعد؛ تحقيق محي الدين واعظي و ديگران؛ قم: دفتر انتشارات اسلامي، ١٤١٦ق.
٦. ابن جزى غرناطي، محمد بن احمد؛ التسهيل لعلوم التنزيل؛ تحقيق عبدالله خالدى؛ بيروت: دار الأرقم، ١٤١٦ق.
٧. ابن حزم، علي بن محمد؛ المحلى؛ تحقيق احمد محمد شاكر؛ بيروت: دارالفكر، [بى تا].
٨. ابن حمزه، محمد بن علي؛ الوسيلة إلى نيل الفضيلة؛ تحقيق محمد حسون؛ قم: انتشارات كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، ١٤٠٨ق.
٩. ابن حنبل، احمد؛ المسند؛ بيروت: دار صادر، [بى تا].
١٠. ابن رشد، محمد بن احمد؛ بداية المجتهد و نهاية المقتصد؛ تحقيق خالد عطار؛ بيروت: دارالفكر، ١٤١٥ق.
١١. ابن عابدين، محمد امين؛ حاشية ردالمحتار على الدر المختار؛ بيروت: دارالفكر، ١٤١٥ق.

۱۲. ابن عربی، محمد بن عبدالله؛ أحكام القرآن؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، [بی تا].
۱۳. ابن فارس، احمد؛ معجم مقائیس اللغة؛ تحقیق عبدالسلام محمد هارون؛ [بی تا]: [بی نا]، ۱۴۰۹ق.
۱۴. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد؛ المذهب البارع فی شرح المختصر النافع؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
۱۵. ابن قدامه، عبدالله بن احمد؛ المغنی؛ بیروت: دارالکتب العربی، [بی تا].
۱۶. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ تحقیق احمد فارس؛ ج ۳، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
۱۷. ابن نجیم، زین الدین بن ابراهیم؛ البحر الرائق شرح کنز الدقائق؛ بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
۱۸. ابن ندیم، محمد بن اسحاق؛ الفهرست؛ تحقیق رضا تجدد؛ [بی تا]: [بی نا]، [بی تا].
۱۹. ابوالفتح رازی، حسین بن علی؛ روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن؛ تحقیق محمد جعفر یاحقی؛ مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
۲۰. ابو حیان، محمد بن یوسف؛ البحر المحیط فی التفسیر؛ تحقیق محمد جمیل صدقی؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
۲۱. اردبیلی، احمد بن محمد؛ زبدة البیان فی أحكام القرآن؛ تحقیق محمد باقر بهبودی؛ تهران: المكتبة الجعفریه، [بی تا].
۲۲. اصفهانی، سید ابوالحسن؛ وسیلة النجاة؛ قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۲ق.
۲۳. انصاری، زکریا بن محمد؛ فتح الوهاب بشرح منهج الطلاب؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق.
۲۴. انصاری، مرتضی؛ مکاسب؛ قم: کنگره شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق.
۲۵. —؛ رسالة فی الرضاع؛ قم: دار الذخائر، ۱۴۱۱ق.
۲۶. —؛ کتاب النکاح؛ قم: کنگره شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق.
۲۷. باشا، اسماعیل؛ هدیة العارفين أسماء المؤلفين و آثار المصنفين؛ بیروت: دار إحياء

- التراث العربي، ١٩٥١م.
٢٨. بجنوردى، سيدحسن؛ القواعد الفقهية؛ تحقيق مهدي مهريزي و محمدحسن درايتي؛ قم: نشر الهادي، ١٤١٩ق.
٢٩. بحراني، يوسف بن احمد؛ الحدائق الناضرة فى أحكام العترة الطاهرة؛ تصحيح محمدتقى ايرواني؛ قم: دفتر انتشارات اسلامي، ١٤٠٥ق.
٣٠. بخارى، محمد بن اسماعيل؛ الصحيح؛ بيروت: دارالفكر، ١٤٠١ق.
٣١. بيهقي، احمد بن حسين؛ السنن الكبرى؛ بيروت: دارالفكر، [بى تا].
٣٢. ترمذى، محمد بن عيسى؛ السنن؛ تحقيق عبدالوهاب عبداللطيف؛ بيروت: دارالفكر، ١٤٠٣ق.
٣٣. تهراني، آقا بزرگ؛ الذريعة إلى تصانيف الشيعة؛ ج٣، بيروت: دارالأضواء، ١٤٠٣ق.
٣٤. جمعى از مستشرقان؛ دائرة المعارف الإسلامية؛ ترجمه احمد شنتناوى و ديگران؛ بيروت: دارالمعرفة، [بى تا].
٣٥. جمعى از نويسندگان؛ الموسوعة الفقهية الكويتية؛ ج٣، كويت: وزارت اوقاف، ١٤٢٤ق.
٣٦. جوهرى، اسماعيل بن حماد؛ الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية؛ تحقيق احمد عبدالغفور عطار؛ بيروت: دارالعلم للملايين، ١٤١٠ق.
٣٧. حرّ عاملي، محمد بن حسن؛ وسائل الشيعة إلى تحصيل المسائل الشريعة؛ قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام، ١٤٠٩ق.
٣٨. حصكفي، علاء الدين؛ الدر المختار؛ بيروت: دارالفكر، ١٤١٥ق.
٣٩. حقى، اسماعيل؛ روح البيان؛ بيروت: دارالفكر، [بى تا].
٤٠. حلبى، ابوالصلاح؛ الكافي فى الفقه؛ تحقيق رضا استادى؛ اصفهان: [بى نا]، ١٤٠٣ق.
٤١. حلى، جعفر بن حسن؛ شرائع الإسلام؛ قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، ١٤١٥ق.
٤٢. حلى، حسن بن يوسف؛ إرشاد الأذهان؛ قم: مؤسسة النشر الإسلامي، ١٤١٠ق.

۴۳. —؛ قواعد الأحكام فى معرفة الحلال والحرام؛ قم: دفتر انتشارات اسلامى، ۱۴۱۳ق.
۴۴. —؛ مختلف الشيعة فى أحكام الشريعة؛ ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامى، ۱۴۱۳ق.
۴۵. حميرى، نشوان بن سعيد؛ شمس العلوم و دواء كلام العرب من الكلوم؛ تحقيق حسين بن عبدالله عمرى و ديگران؛ بيروت: دارالفكر المعاصر، ۱۴۲۰ق.
۴۶. خليل، بن احمد؛ كتاب العين؛ تحقيق مهدى مخزومى و ابراهيم سامرائى؛ ج ۲، قم: نشر هجرت، ۱۴۱۰ق.
۴۷. خمينى، سيدروح الله؛ تحرير الوسيلة؛ قم: مؤسسة النشر الإسلامى، [بى تا].
۴۸. خوانسارى، احمد؛ جامع المدارك فى شرح مختصر النافع؛ تحقيق على اكبر غفارى؛ ج ۲، قم: اسماعيليان، ۱۴۰۵ق.
۴۹. خويى، سيدابوالقاسم؛ أحكام الرضاع فى فقه الشيعة؛ تقرير سيد محمد مهدى خلخالى و محمد تقى ايروانى؛ [بى جا]: المنير، ۱۴۱۷ق.
۵۰. —؛ منهاج الصالحين؛ ج ۲۸، قم: نشر مدينة العلم، ۱۴۱۰ق.
۵۱. دهخدا، على اكبر؛ لغتنامه دهخدا؛ زير نظر محمد معين و سيد جعفر شهيدى؛ ج ۲، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۵۲. راغب اصفهانى، حسين بن محمد؛ مفردات ألفاظ القرآن؛ تحقيق صفان عدنان داودى؛ بيروت: دارالعلم، ۱۴۱۲ق.
۵۳. راوندى، سعيد بن عبدالله؛ فقه القرآن؛ تحقيق سيد احمد حسيني؛ قم: انتشارات كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، ۱۴۰۵ق.
۵۴. زيبدى، محمد؛ تاج العروس من جواهر القاموس؛ تصحيح على شيرى؛ بيروت: دارالفكر، ۱۴۱۴ق.
۵۵. زرکلى، خير الدين؛ الأعلام؛ بيروت: دارالعلم للملایين، [بى تا].
۵۶. سايس، محمد على؛ تفسير آيات الأحكام؛ [بى جا]: [بى نا]، [بى تا].
۵۷. سبزوارى، سيد عبدالأعلى؛ مواهب الرحمن فى تفسير القرآن؛ ج ۲، بيروت: مؤسسه

- اهل البيت ﷺ، ۱۴۰۹ق.
۵۸. سرخسی، شمس‌الدین؛ المبسوط؛ بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۶ق.
۵۹. سلار، حمزه بن عبدالعزیز؛ المراسم العلویة والأحكام النبویة؛ تحقیق محمود بستانی؛ قم: [بی‌نا]، ۱۴۱۴ق.
۶۰. شافعی، محمد بن ادریس؛ الأم؛ ج ۲، بیروت: [بی‌نا]، ۱۴۰۳ق.
۶۱. شیرازی، سید محمد؛ تقریب القرآن إلى الأذهان؛ بیروت: دارالعلوم، ۱۴۲۴ق.
۶۲. صاحب، بن عباد؛ المحيط فی اللغة؛ تحقیق محمد حسن آل یاسین؛ بیروت: عالم‌الکتاب، ۱۴۱۴ق.
۶۳. صادقی تهرانی، محمد؛ البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن؛ قم: [بی‌نا]، ۱۴۱۹ق.
۶۴. —؛ الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن؛ ج ۲، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵.
۶۵. صدوق، محمد بن علی؛ من لا یحضره الفقیه؛ تحقیق علی اکبر غفاری؛ ج ۲، قم: منشورات جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۶۶. صفایی، سید حسین و اسدالله امامی؛ حقوق خانواده؛ ج ۳، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۱ق.
۶۷. طباطبایی، علی بن محمد؛ ریاض المسائل فی تحقیق الأحكام بالدلائل؛ تحقیق محمد بهره‌مند و دیگران؛ قم: مؤسسه آل‌البتی، ۱۴۱۸ق.
۶۸. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: مؤسسة الأعلمی، ۱۴۱۵ق.
۶۹. طوسی، محمد بن حسن؛ الخلاف؛ تحقیق علی خراسانی و دیگران؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
۷۰. —؛ الفهرست؛ تحقیق سید محمد صادق آل بحر العلوم؛ نجف: المكتبة المرتضویه، [بی‌تا].
۷۱. —؛ المبسوط فی فقه الإمامیة؛ تصحیح سید محمد تقی کشفی؛ ج ۳، تهران: المكتبة المرتضویه، ۱۳۸۷ق.

٧٢. —؛ النهاية في مجرد الفقه والفتاوى؛ ج ٢، بيروت: دارالكتاب العربي، ١٤٠٠ق.
٧٣. —؛ تهذيب الأحكام؛ ج ٤، تهران: دارالكتب الإسلامية، ١٤٠٧ق.
٧٤. عاملی (شهيد ثانی)، زين الدين؛ تمهيد القواعد الأصولية والعربية لتفريع قواعد الأحكام الشرعية؛ قم: انتشارات دفتر تبليغات اسلامي، ١٤١٦ق.
٧٥. —؛ مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام؛ قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، ١٤١٣ق.
٧٦. —؛ الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية؛ تحقيق سيد محمد كلانتر؛ قم: كتابفروشي داوری، ١٤١٠ق.
٧٧. عاملی، محمد بن علی؛ نهاية المرام في شرح مختصر شرائع الإسلام؛ قم: دفتر انتشارات اسلامي، ١٤١١ق.
٧٨. فاضل هندی، محمد بن حسن؛ كشف اللثام والإبهام عن قواعد الأحكام؛ قم: دفتر انتشارات اسلامي، ١٤١٦ق.
٧٩. فخر رازی، محمد بن عمر؛ مفاتيح الغيب؛ ج ٣، قم: دار إحياء التراث العربي، ١٤٢٠ق.
٨٠. فخر المحققين، محمد بن حسن؛ إيضاح الفوائد في شرح مشكلات القواعد؛ تحقيق سيد حسين موسوي كرماني و ديگران؛ قم: اسماعيليان، ١٣٨٧ق.
٨١. فيروز آبادی، محمد بن يعقوب؛ القاموس المحيط؛ بيروت: دارالعلم، [بى تا].
٨٢. فيومي، احمد بن محمد؛ المصباح المنير؛ قم: دارالرضي، [بى تا].
٨٣. قرطبي، محمد بن احمد؛ الجامع لأحكام القرآن؛ بيروت: مؤسسة التاريخ العربي، ١٤٠٥ق.
٨٤. كاشاني، ابوبكر بن مسعود؛ بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع؛ باكستان: المكتبة الحبيبية، ١٤٠٩ق.
٨٥. كاشاني، فتح الله؛ زبدة التفاسير؛ قم: بنياد معارف اسلامي، ١٤٢٣ق.
٨٦. كاظمي، جواد بن سعد؛ مسالك الأفهام إلى آيات الأحكام؛ [بى جا]: [بى نا]، [بى تا].
٨٧. كحاله، عمر رضا؛ معجم المؤلفين تراجم مصنفي الكتب العربية؛ بيروت: دار إحياء

- التراث العربی، [بی تا].
۸۸. کرکی، علی بن حسین؛ جامع المقاصد فی شرح القواعد؛ ج ۲، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۴ق.
۸۹. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تحقیق علی اکبر غفاری؛ ج ۴، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۹۰. مالک، ابن انس؛ المدونة الكبرى؛ مصر: السعادة، [بی تا].
۹۱. ماوردی، علی بن محمد؛ کتاب الرضاع (قسمتی از کتاب الحاوی الکبیر)؛ تحقیق عامر سعید زیباری؛ بیروت: دار ابن حزم، ۱۴۱۶ق.
۹۲. متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام الدین؛ کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال؛ بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ق.
۹۳. مراغی، احمد بن مصطفی؛ تفسیر المراغی؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، [بی تا].
۹۴. مزنی، اسماعیل بن یحیی؛ مختصر المزنی؛ بیروت: دارالمعرفة، [بی تا].
۹۵. مشهدی، محمد بن محمد رضا؛ کنز الدقائق و بحر الغرائب؛ تحقیق حسین درگاهی؛ تهران: انتشارات وزارت ارشاد، ۱۳۶۸.
۹۶. مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ تهران: نشر کتاب، ۱۳۶۰.
۹۷. مغنیه، محمد جواد؛ التفسیر المبین؛ قم: بنیاد بعثت، [بی تا].
۹۸. مفید، محمد بن محمد؛ المقنعة؛ قم: کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۹۹. میبدی، رشید الدین؛ کشف الأسرار و عدة الأبرار؛ تحقیق علی اصغر حکمت؛ ج ۵، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱.
۱۰۰. نجاشی، احمد بن علی؛ رجال النجاشی؛ تحقیق سید موسی شبیری زنجانی؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
۱۰۱. نجفی، محمد حسن؛ جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام؛ تحقیق عباس قوچانی و علی آخوندی؛ ج ۷، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
۱۰۲. نراقی، احمد؛ مستند الشیعة فی أحكام الشریعة؛ قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۵ق.



۱۰۳. نوری، حسین؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ بیروت: مؤسسه آل‌البیته، ۱۴۰۸ق.

۱۰۴. نووی، محی‌الدین؛ المجموع شرح المذهب؛ بیروت: دارالفکر، [بی‌تا].

۱۰۵. هذلی، یحیی بن سعید؛ الجامع للشرائع؛ قم: مؤسسه سیدالشهداء العلمیه، ۱۴۰۵ق.

